

# تکریم انسان و نقش وفا در کربلا

<"xml encoding="UTF-8?">



## تکریم انسان در کربلا

بر خلاف جبهه باطل که به انسان‌ها به عنوان ابزاری برای تامین خواسته‌ها و منافع خویش می‌نگرند، در جبهه حق، مومن ارزش و کرامت دارد. کرامتش هم نشأت گرفته از ارزش حق است. انسان‌ها احترام دارند و به لحاظ ایمانشان مورد تکریم اند، معیار هم تقوا و ایمان و تعهد است نه رنگ و زبان و قبیله و نژاد و منطقه جغرافیایی. امام حسین (علیه السلام) در عاشورا، به یاران خویش عزت بخشید، آنان را با وفاترین یاوران حق نامید؛ خود را به بالین یکایک یاران شهیدش می‌رساند و سر آنان را بر دامن می‌گرفت. بین آنان تفاوت قائل نمی‌شد. هم بر بالین علی اکبر (علیه السلام) حاضر شد، هم بر بالین غلام خویش.

یک جا رخ غلام و پسر بوسه داد و گفت: در دین ما سیه نکند فرق با سفید

شخصیت دادن به افراد با ایمان و فداکار در راه خدا و دین، پیام عاشورا است که از رفتار حسین بن علی (علیهما السلام) آموخته می‌شود. جامعه‌ای که وارث فرهنگ جهاد و شهادت است، باید به چنین انسان‌های از جان گذشته، به جانبازان و آزادگان، به خانواده‌های شهدا و ایثارگران، حرمتی عظیم قائل شود، تا این خط خدایی، همواره پر جاذبه و دوست داشتنی بماند و مشتاق، داشته باشد.

وقتی خُر، بیدار شد و توبه کرد و به اردوی امام پیوست، تردید داشت که امام حسین او را می‌پذیرد یا نه؟ سوال خُر «هَلْ لِي مِنْ تَوْبَةٍ؟» آیا برای من توبه ای هست، نشان دهنده نقطه امید او به بزرگواری امام حسین (علیه السلام) بود. حضرت هم توبه و بازگشت و حق‌گرایی او را ارج نهاد و با سخن «نَعَمْ، يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْكَ»، او را به بخشایش و رستگاری امید داد. (1)

این ارج نهادن به مقام یک انسان تائب است که خود را از ظلمت رهانده و به نور رسانده است. هر چند سابقه

ای تیره و گناه آلوده دارد، ولی اینک به نور، ایمان آورده است.

«جون»، غلام ابوذر بود. روز عاشورا از امام حسین (علیه السلام) اذن میدان خواست. امام به او رخصت داد که از صحنه بیرون برود و کشته نشود؛ چرا که در روزهای سخت و دشوار، همراه این خاندان بوده لذا الان مجاز است که جان خویش را بر گیرد و برود. ولی جون به پای امام افتاد و بوسید و گریست و درخواست کرد که اجازه یابد خونش با خون اهل بیت در این میدان آمیخته شود. امام هم اجازه داد. به میدان رفت و پس از جنگی دلاورانه به شهادت رسید و امام به بالین او آمد و دعایش کرد:

«خدایا چهره اش را نورانی و بدنش را خوشبو ساز و او را با محمد و آل محمد محشور کن.» (2)

این نیز نمونه ای از تکریم انسان بود، در آن میدان کرامت و شرافت. ارج نهادن امام به فداکاری یارانش، تکریم انسان و انسانیت بود. سیدالشهدا (علیه السلام) کنار پیکر خونین اصحاب شهید خویش می آمد، آنان را آغشته به خون می دید و عطر شهادت را از آن اجساد مطهر استشمام می فرمود و در ستایش از آنان و ملامت قاتلان می فرمود: «قَتَلَهُ كَقَتْلَةِ النَّبِيِّينَ وَ آلِ النَّبِيِّينَ» (3)؛ قاتلانی، همچون قاتلان پیامبران و دودمان رسولان! یعنی یاران شهیدش را هم سنگ و هم تراز با پیامبران الهی می دانست و قاتلان آنان را همچون کشندگان پیامبران الهی.

شخصیت دادن به افراد با ایمان و فداکار در راه خدا و دین، پیام عاشورا است که از رفتار حسین بن علی (علیهما السلام) آموخته می شود. جامعه ای که وارث فرهنگ جهاد و شهادت است، باید به چنین انسان های از جان گذشته، به جانبازان و آزادگان، به خانواده های شهدا و ایثارگران، حرمتی عظیم قائل شود، تا این خط خدایی، همواره پر جاذبه و دوست داشتنی بماند و مشتاق، داشته باشد.

## نقش وفا در کربلا

وفا، پای بندی به عهد و پیمانی است که با کسی می بندیم. نشانه صداقت و ایمان انسان و مردانگی و فتوت اوست. وفا، هم نسبت به پیمان هایی است که با خدا می بندیم، هم آنچه با دوستان قول و قرار می گذاریم، هم عهدی که با دشمن می بندیم، هم تعهدی که به صورت نذر بر عهده خویش می گذاریم، هم پیمان و بیعتی که با امام و ولی امر می بندیم. وفای به عهد در همه این موارد، واجب است و نقض عهد و زیر پا گذاشتن پیمان و بی وفایی نسبت به بیعت و قرار دوستی و حقوق برادری نشان ضعف ایمان و از بدترین خصلت هاست. خداوند وفای به عهد را لازم شمرده است و از عهد، بازخواست خواهد کرد: «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا.» (4)

در آیات قرآن، به ستایش خداوند از کسانی که صادق الوعد و وفادار بودند مثل حضرت اسماعیل، و به نکوهش الهی از اشخاص و اقوامی که نقض عهد و پیمان شکنی کردند، برمی خوریم. حضرت علی (علیه السلام) هم «وفا» را جزء گرامی ترین خصلت ها شمرده است: «أَشْرَفُ الْخَلَائِقِ الْوَفَاءُ.» (5) و در سخنی دیگر، وفای به عهد را از نشان های ایمان دانسته است: «مِنْ دَلَائِلِ الْإِيمَانِ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ.» (6)

با این مقدمه، وقتی به صحنه عاشورا می نگریم، در یک طرف مظاهر برجسته ای از وفا را می بینیم و در سوی

دیگر، نمونه های زشتی از عهدشکنی و بی وفایی و نقض پیمان و بیعت و زیر پا گذاشتن تعهدات را. حتی از نقاط ضعفی که امام حسین (علیه السلام) برای معاویه بر می شمرد آن است که وی به هیچ یک از تعهداتی که نسبت به امام حسن مجتبی و سیدالشهدا (علیهما السلام) داشته است، وفا نکرد. (7)

از نقاط ضعف مهم کوفیان نیز بی وفایی بود، چه بیعتی که با مسلم بن عقیل کردند و قول یاری دادند و تنهایش گذاشتند، چه نامه هایی که به امام حسین (علیه السلام) نوشته، وعده نصرت و یاری دادند، ولی در وقت لازم، نه تنها به یاری امام برخاستند، بلکه در صف دشمنان او قرار گرفتند و آن نامه ها و عهدها و امضاها را خود را زیر پا گذاشتند.

امام حسین (علیه السلام) در منزل بیضه، در سخنی که با لشکریان خُر داشت، ضمن یادآوری نامه نگاری ها و بیعتی که برای حمایت و یاری بسته بودند، می فرماید:

اگر اهل وفا به پیمان نیستید و عهد خویش را شکسته اید و بیعت مرا از گردن خود کنار نهاده اید، به جانم سوگند، این روش از شما کوفیان چندان ناشناخته و شگفت نیست، با پدرم، با برادرم و با پسر عمویم مسلم بن عقیل نیز همین کار را کردید... (8)

در روز عاشورا نیز در خطابه ای پرشور و انتقادآمیز، از بیعت و بیعت شکنی، از عهد و بی وفایی آنان یاد می کند و بر آن همه سست رایی و نامردی و زیر پا نهادن تعهدات، ملامتشان می کند. (9)

در مقابل این همه بی وفایی، خود امام حسین (علیه السلام) اهل وفا بود، یارانش تا پای جان وفاداری نشان دادند و به بیعت و تعهد نصرتی که با امام خویش بسته بودند، پایدار ماندند. مقام صدق وفای آن حضرت و یاران شهیدش، در روایات و زیارتنامه ها نیز مطرح شده است. به گوشه ای از آنها اشاره می شود:

شب عاشورا، سیدالشهدا وقتی با اصحاب خود صحبت می کند، وفای آنان را می ستاید:

«فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَابًا أَوْفَى وَلَا خَيْرًا مِنْ أَصْحَابِي...» (10) ؛ من با وفاتر و بهتر از اصحابم، اصحابی را نمی شناسم.

روز عاشورا، وقتی بر بالین مسلم بن عوسجه می آید، این آیه را می خواند:

«فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» (11)؛ مردانی که بر عهد خویش با خدا صادق بودند، برخی شان به عهد وفا کرده و جان باختند، برخی هم منتظرند و عهد و پیمان را هیچ دگرگون نساخته اند.

پیام وفا، از عاشورا به وارثان این راه رسیده است، به عهدی که با خدا و خون شهیدان می بندند و بیعتی که با رهبری و مقام ولایت دارند، تا آخر عمر، وفادار می مانند و سختی های راه و جاذبه های دنیوی و سستی های همراهان، عاشوراییان را هرگز از تداوم راه باز نمی دارد.

وقتی حبیب بن مظاهر کنار مسلم آمد، به او بشارت بهشت داد. مسلم بن عوسجه در همان حال و در دم آخر به حبیب توصیه کرد که: «سفارش می کنم که از این مرد - اشاره به امام حسین - دست برداری و در راه او کشته شوی...» و جان باخت. (12)

آیه فوق را امام حسین (علیه السلام) بارها در این سفر، به یاد یارانی که در وفای به پیمان شهید شدند تلاوت می کرد و وفاداری آنان را می ستود. وقتی هنگام آمدن به طرف کربلا، خبر شهادت قیس بن مسهر را هم شنید، این آیه را خواند.

عباس بن علی و برادرانش، وفا نشان دادند و امان نامه دشمن را نپذیرفتند و در رکاب امام، به شهادت رسیدند. یاران امام، با آن که امام بیعت خویش را از آنان برداشت، ولی به مقتضای وفا، در صحنه ماندند و عهد نشکستند.

شهدای کربلا جان بازی در رکاب آن حضرت را وفای به عهد می‌دانستند و امضای خون بر پیمان خویش می‌زدند. عمرو بن قرظه، روز عاشورا خود را در برابر شمشیرها و تیرهای دشمن قرار می‌داد تا به امام آسیبی نرسد. آن قدر جراحت برداشت که بی‌تاب شد. رو به امام حسین (علیه السلام) کرد و پرسید: ای پسر پیامبر! آیا وفا کردم؟ فرمود: آری، تو در بهشت پیش روی منی و زودتر به بهشت می‌روی، سلام مرا به پیامبر برسان. (13)

در زیارت امام حسین (علیه السلام) خطاب به آن حضرت می‌گوییم:  
«أَشْهَدُ أَنَّكَ وَقَّيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ» (14)؛ شهادت می‌دهم که تو به عهد خدا وفا کردی و تا رسیدن به یقین (و شهادت) در راه او جهاد کردی.  
و نیز می‌گوییم:

«أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ وَ نَصَحْتَ وَ وَقَّيْتَ وَ أَوْفَيْتَ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.» (15)  
که اشاره به ابلاغ پیام و انجام نصیحت و وفای کامل و جهاد در راه خدا دارد.

در زیارت حضرت مسلم بن عقیل می‌خوانیم:  
«وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَقَّيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ» (16) که اشاره به عهد با خدا است و جان باختن در راه یاری حجت خدا.  
و در زیارت عباس بن علی می‌گوییم:

«أَشْهَدُ لَكَ بِالتَّسْلِيمِ وَ التَّصَدِيقِ وَ الْوَفَاءِ وَ النَّصِيحَةِ لِخَلْفِ النَّبِيِّ...» (17)

کربلا که گواهی به اطاعت و تسلیم و تصدیق و وفا و خیرخواهی حضرت ابا الفضل نسبت به فرزند پیامبر است و در همین زیارت، از خدا پاداش کامل تر کسانی را که به بیعت خویش وفا کرده و دعوت امام را پذیرفته و در اطاعت ولی امر بوده اند، برای حضرت عباس مسالت می‌کنیم. این فداکاری های خونین و همراه با شهادت، همان عهدی بود که شب عاشورا با حجت خدا بستند و خطاب به امام حسین (علیه السلام) گفتند: به خدا سوگند هرگز از تو جدا نمی شویم، جانمان فدای جانت! با حنجرها و حلقوم ها و دست ها و چهره های خونین خویش از تو حمایت می کنیم، هر گاه کشته شدیم، به عهد خویش و آنچه بر عهده ماست، وفا کرده ایم: «... فَإِذَا نَحْنُ قُتِلْنَا، كُنَّا وَ فِينَا وَ قَضَيْنَا مَا عَلَيْنَا.» (18)

پیام وفا، از عاشورا به وارثان این راه رسیده است، به عهدی که با خدا و خون شهیدان می‌بندند و بیعتی که با رهبری و مقام ولایت دارند، تا آخر عمر، وفادار می‌مانند و سختی‌های راه و جاذبه های دنیوی و سستی های همراهان، عاشوراییان را هرگز از تداوم راه باز نمی‌دارد.

هر پیشوا و رهبری هم نیازمند یارانی با وفا است تا به اتکاء حمایت و صدق و وفایشان یک حرکت انقلابی و مبارزاتی را رهبری کند و به اهداف مورد نظر برساند.

پی نوشت ها:

1- مقتل الحسین، مقرر، ص. 290

2- همان، ص. 313

3- حیاة الامام حسین بن علی، ج 3، ص. 239

4- اسراء، آیه 34 .

5- میزان الحکمه، ج 10، ص 602 .

6- همان، ص 603 .

- 7- موسوعة كلمات الامام الحسين، ص 278 .
- 8- همان، ص 361 به نقل از تاريخ طبرى و كامل ابن اثير.
- 9- بحارالانوار، ج 45، ص 8/ مناقب ابن شهر آشوب، ج 4، ص 110 و منابع بسيار ديگر.
- 10- موسوعة كلمات الامام الالحسين، ص 395 .
- 11- احزاب، آيه 23 .
- 12- مقتل خوارزمي، ج 2، ص 15، لهوف، ص 46 .
- 13- اعيان الشيعة، ج 1، ص 605 .
- 14- مفاتيح الجنان، زيارت اربعين، ص 468 .
- 15- مفاتيح الجنان، زيارت مطلقه امام حسين، ص 423 .
- 16- همان، زيارت مسلم بن عقيـل، ص 402 .
- 17- همان، زيارت حضرت عباس، ص 434 .
- 18- وقعة الطف، ص 199.

منبع: پيام هاى عاشورا، جواد محدثى